

الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی

مبثنی بر تعالیم نهج البلاغه

هادی خان محمدی^۱، رضا واعظی^۲، مصطفی دلشاد تهرانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۷

چکیده

موضوع مشارکت شهروندان در امور دولت و حکومت یا تعاملات بین مردم و دولت از موضوعات بسیار مهمی است که باید مورد توجه اندیشمندان و دولتمردان قرار بگیرد. این در حالی است که این موضوع در شبه پارادایم‌های اخیر مدیریت دولتی؛ یعنی خدمات عمومی نوین، بسیار حائز اهمیت شده تا آنجا که در این زمینه مدل‌ها و تئوری‌های مختلفی از دهه ۵۰ میلادی تاکنون بیان شده است. در یک رویکرد منطقی و عقلایی، الگوی مشارکت شهروندان هر کشور متناسب با فرهنگ و محیط آن کشور شکل متفاوتی به خود می‌گیرد؛ هر چند می‌توان از تجربیات دیگر کشورها در این زمینه نیز استفاده کرد. بر این اساس، با توجه به درجه اهمیت مشارکت مردم در حکومت و دولت، این تحقیق به دنبال آن است که الگوی مشارکت شهروندی از منظر تعالیم نهج البلاغه را متناسب با سیره نظری و عملی امام علی علیه السلام شناسایی نماید تا گامی در تولید الگویی اسلامی برداشته شود. بنابر این، سؤال اصلی پژوهش آن است که مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه چه الگویی دارد؟ برای انجام پژوهش نیز از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی Maxqda استفاده شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که الگوی مشارکت شهروندی بر اساس ارزش‌های بنیادین و اساسی حکومت اسلامی شکل می‌گیرد و دارای الگویی تعاملی بر اساس قاعده اصلاح طرفینی جهت تحقق ادای حق و تکلیف متقابل با نهایت حسن تعامل و همکاری می‌باشد و بر اساس آن الگو فرایند تعاملی دولت- شهروند و سایر الگوهای بخشی دیگر ایجاد می‌شود.

کلید واژه‌ها:

نهج البلاغه، دولت اسلامی، مردم‌سالاری دینی، حقوق شهروندان، مشارکت شهروندان.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

نویسنده مسئول: h.khanmohammadi110@gmail.com

۲. دانشیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی

۳. استادیار علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث

مقدمه

علم مدیریت دولتی را در یک گونه‌شناسی و بر اساس سیر تطور آن به سه شبه پارادایم مدیریت دولتی سنتی^۱، مدیریت دولتی نوین^۲ و خدمات عمومی نوین^۳ طبقه‌بندی می‌کنند. مدیریت دولتی نوین بر اساس ناکارآمدی و مشکلاتی که پارادایم سنتی، از جمله سلسله‌مراتب شدید و بروکراتیک در اکثر سالهای قرن بیستم ایجاد کرده بود، همچنین منافعی که بر دولت داشت با تأکید بر کارایی در دهه ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای پیشرفته ظهور پیدا کرد، که پولیت^۴ آن را "مدیریت‌گرایی"^۵ و آزبرن و گیلبر آن را "مدیریت دولتی نوین" نامیدند. (وارث، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۷)

در اوایل دهه ۲۰۰۰ دهنارت با انتقاد از شبه پارادایم مدیریت دولتی نوین و تأکید بر جابجایی هدف دولت، شبه پارادایم جدیدی را مطرح نمود که بر نقش عموم و منفعت و مصلحت عامه، نه منفعت خاصه تأکید داشت. بدین ترتیب، نقش عامه در مدیریت دولتی مهم و تأثیرگذار بود. در شبه پارادایم سوم، نقش شهروندان به عنوان یکی از بازیگران اصلی حکمرانی به رسمیت شناخته شده است (آگر^۶، ۲۰۱۲: ۲۹)؛ به طوری که در بسیاری از تئوری‌هایی که به مشکلات نظری برخورد کرده و مبنای انسان اقتصادی را پیش گرفته‌اند، نظارت همگانی را به عنوان نوعی از مشارکت مردمی لازم دانسته‌اند (الوانی، ۱۳۸۹). بدین منظور، دهنارت معتقد است مدیران دولتی در آینده باید دیدگاهی "شهروند محور" پیدا کنند و "مشارکت‌جویی" را جایگزین نگرش سنتی سلسله‌مراتبی نمایند. با این دو استراتژی است که آنان خواهند توانست نقش واقعی خود را در آینده ایفا کنند. (دنهارت، ۱۳۸۸)

با توجه به اهمیت و نقش مردم در شبه پارادایم سوم، مدل‌های مختلفی از مشارکت شهروندی در ۵۰ سال اخیر ارائه شده است. نکته قابل توجه این است که این مدل‌های مشارکت شهروندی بسته به نوع فرهنگ

جامعه (غربی یا اسلامی) با توجه به ارزش‌ها و اصول حاکم بر آن، معنا و مفهوم متفاوتی به خود خواهد گرفت. در طراحی چنین مدلی برای جامعه اسلامی باید چنین قیدی را مد نظر داشت؛ همچنان که مدل‌های موجود در تطابق و سازگاری با فرهنگ آن جامعه شکل گرفته‌اند. بنابر این، در این پژوهش قصد داریم الگوی مشارکت شهروندی را با توجه به فرهنگ اسلامی خود با بهره‌مندی از یکی از منابع مهم دینی؛ یعنی نهج البلاغه تعریف و مفهوم‌پردازی کنیم. نهج البلاغه به عنوان یکی از آثار بی‌نظیر ادبی جهان، خاستگاه و محرک بسیاری از سازه‌های فکری اصلاح سیستم‌های اجتماعی است و دلالت‌های صریح آن، الگوهای حکیمانه‌ی حکمرانی را معرفی کرده و شیوه‌های مرادوه صحیح حاکم و کارگزاران حکومت با عامه مردم را به تصویر می‌کشد. در مجموع تصویرسازی شیوه تعامل و مشارکت شهروندان با دولت در نهج البلاغه می‌تواند به عنوان چشم‌انداز و مبنای خط‌مشی‌های کلان در نظام جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد.

سؤالات این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

۱. قضایای منطقی مشارکت شهروندی مبتنی تعالیم نهج البلاغه کدامند؟
۲. الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج البلاغه چیست؟

مبانی نظری

مشارکت شهروندی

واژه "مشارکت"^۷ از جمله اصطلاحاتی است که همانند بسیاری از مفاهیم، از پیچیدگی و ابهام خاصی برخوردار است (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۸۲). لذا از مفهوم "مشارکت" تفسیرها و تعریف‌های زیادی توسط محققان و مجریان^۸ به عمل آمده است و هیچ تعریف جهانی مورد قبولی نیز در مورد مشارکت

1. Traditional public administration
2. New public management
3. New public service
4. Pollitt
5. Managerialism
6. Agger

7. Participation
8. Practitioner

مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بروز داشته باشد. بدین منظور است که نظریه‌پردازان، هر یک با توجه به زمینه‌های تخصصی خودشان به موضوع مشارکت نگریسته‌اند و در آن حوزه به مؤلفه‌ها و ویژگی‌های کلیدی مشارکت پرداخته‌اند. لایه‌های سوم و چهارم چنین بحثی را نشان می‌دهد.

حکومت امام علی(ع)؛ حکومت موفق تاریخ

حکومت امام علی(ع) حکومتی کوتاه بود، اما آنچه در راه و رسم حکومتی امام در این دوران چهره گشود و همه تاریخ را به نور خود روشن کرد عبارتند از: حق‌گرایی، انسان‌دوستی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، نفی سلطه‌گری، آزادی‌خواهی، حقوق‌مداری، نفی خودکامگی و خودکامگی‌پذیری، مدارا و رفق‌ورزی، مشارکت‌پذیری، نفی خشونت‌ورزی، شایسته‌سالاری، صراحت‌ورزی، وفاداری، مرزبانی، امانتداری و خدمتگزاری، صداقت‌ورزی، ساده‌زیستی و مردم‌داری و ...

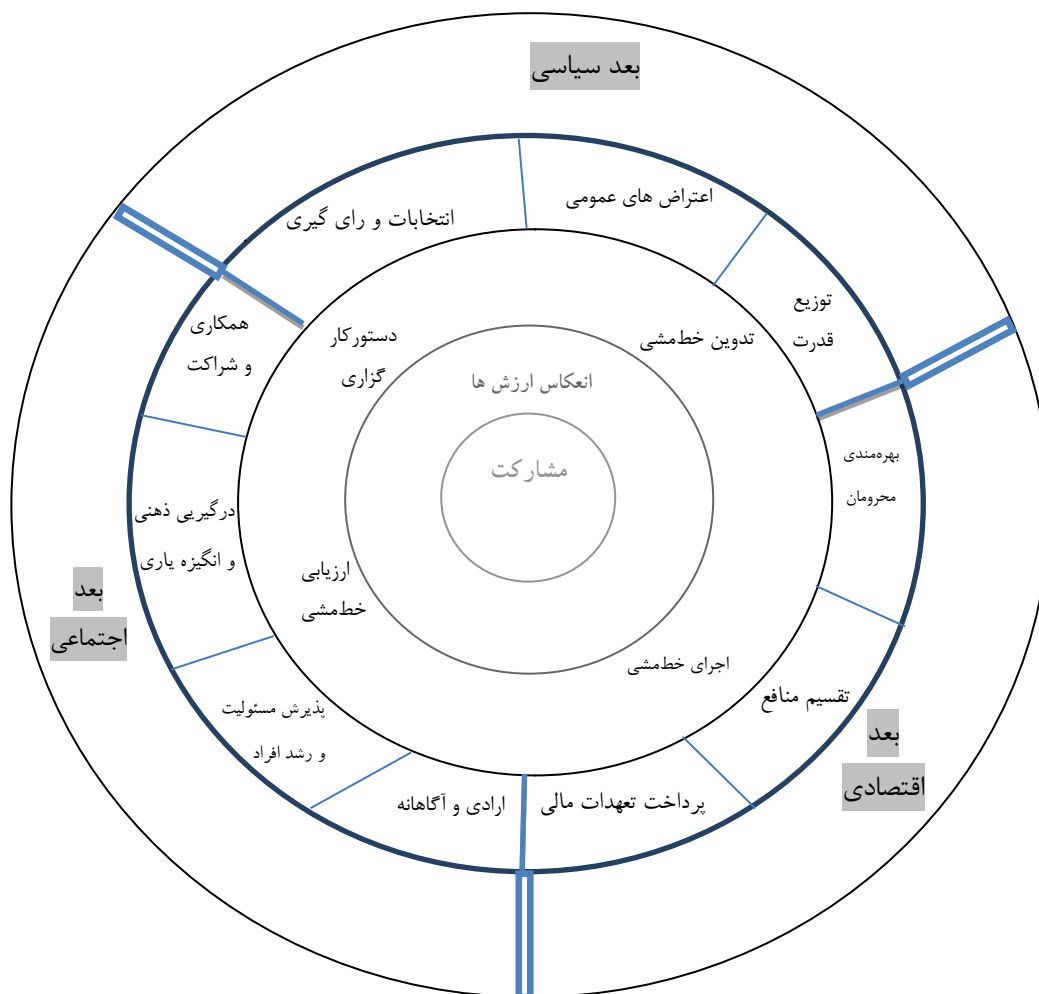
امیرالمؤمنان علی(ع) سیاست را در معنایی والا و الهی می‌شناختند و از سیاست‌های رایج و پیشین که همگی در خدمت قدرت و مکتب سیاستمداران بود، به شدت بیزار بودند و همه وجود خود و حکومتشان را برای هدایت مردمان به سوی خدا می‌خواستند. از این رو، هرگز از حدود و مرزهای الهی فراتر نرفتند و برای حفظ قدرت و حکومت و پیشبرد سیاستها و برنامه‌های اصلاحی و انقلابی خویش ذره‌ای ستم و نیرنگ روا نداشتند.

پیشوای عدالت‌خواهان جز به حق نمی‌اندیشید و جز برای حق عمل نمی‌کرد و از آنجا که حق، استوار و راست و معتدل است، از آن حضرت در ساحت عمل جز استواری و راستی و اعتدال حتی در سخت‌ترین اوضاع و احوال مشاهده نشد. آن پیشوای حق و عدل، در راه حق جز به عدالت نرفت که عدالت را مایه‌ی برپایی مردمان و وسیله‌ی اصلاح امور و سبب پاک شدن آدمیان از گناه و ناراستی و مایه روشنی چراغ اسلام می‌دانست. حکومت آن حضرت، حکومت تلاش برای تحقق کامل امنیت حریت، عدالت، رفاهت، مساوات، اخوت و عبودیت بود. حکومت امام علی(ع) با چنین جلوه‌هایی حکومت موفق تاریخ است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۹)

شهروندی وجود ندارد (گینور، ۲۰۱۱: ۲۰). شاید بتوان گفت سبب گستردگی معنی مشارکت، ویژگی خاص این مفهوم باشد؛ چرا که به اعتباری، بنیاد و سرچشمه‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها یا مشارکت‌های مردم در امور گوناگون ایجاد شده است و قدمت این واژه به دیرینگی زندگی اجتماعی انسانها می‌رسد. این واژه در تاریخ زندگی اجتماعی انسان‌ها به صورت‌های مختلفی بازتاب یافته است؛ از جمله آنکه در زبان فارسی نیز واژگانی چون: معاضدت، تعاون، همیاری، دیگریاری، همکاری، تشریک مساعی، بسیج مردم، مردم‌سالاری و غیره وجود دارد.

کلمه مشارکت در لغت به معنی شرکت کردن است. در جامعه‌شناسی، مشارکت به معنی حالت یا وضعی است که فرد به گروهی خاص تعلق داشته و سهمی در آن دارد. اما گاهی به معنی شرکت فعالانه در گروه برای به ثمر رساندن یک فعالیت اجتماعی است. مشارکت به معنای نخست جامعه‌شناختی لازمه‌ی معنای دوم آن است؛ زیرا شرکت فعالانه در اعمال اجتماعی زمانی پدید می‌آید که فرد به گروهی خاص تعلق داشته، سهمی از آن برای خود قائل باشد. مقصود ما از واژه‌ی «مشارکت» دومین معناست که مفهوم نخست را نیز در بر دارد. اصطلاح «مشارکت‌پذیری» به فرایندی اشاره دارد که افراد طی آن اقدام به عمل جمعی نموده، یا رفتار خود را معطوف به تحقق هدفی مشترک کنند. (رستگاری و برخوردار، ۱۳۸۸: ۹۷)

در مجموع، اندیشمندان تعاریف مختلفی از مشارکت شهروندی ارائه کرده‌اند که تحلیل محتوای تعاریف آنان در مستندات گوناگون در مدل شکل ۱ نشان داده شده است. این مدل نشان می‌دهد که مفهوم کلیدی مشارکت در ادبیات نظری در لایه نخست انعکاس ارزش‌های عمومی در اداره جامعه است. این ارزش‌ها زمانی مهم تلقی می‌شوند که در فرایند خط‌مشی‌گذاری شامل دستورکارگزاری، تعیین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی، دخیل شوند. به عبارت دیگر؛ مردم در کلیه این فرایندها باید ارزش‌های خود را دخیل سازند و این جزء حقوق مردم محسوب می‌شود. همچنین این فرایند می‌تواند در ابعاد



نمودار ۱. الگوی شبکه مفاهیم مشارکت شهروندی در تئوری‌ها

منبع: جمع بندی نگارندگان از منابع مختلف: (طوسی، ۱۳۷۲؛ خداوردی، ۱۳۸۴؛ رحیمی، ۱۳۸۸؛ جین رو و لین، ۲۰۰۵؛ پری و همکاران، ۱۹۹۲؛ لیو، ۲۰۱۱؛

هریسون و مورت، ۱۹۹۸؛ کاران، ۲۰۱۰؛ چانگ، ۲۰۱۱)

مفهوم پردازی حکومت (نگاه به مردم و زمامدار) در نهج البلاغه

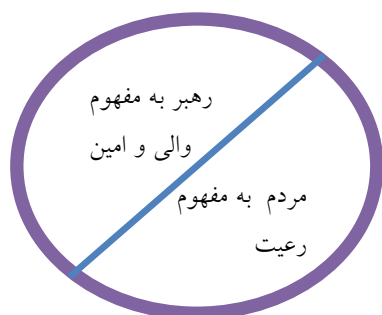
نوع رفتار حکومت و مدیریت به شدت متأثر از نوع دریافت از مفهوم حکومت است و هر گونه که حکومت فهمیده شود، به تناسب آن فهم و دریافت رفتار حکومتی شکل می‌گیرد. اگر حکومت به مفهوم سلطه، تجبر و تحکم و خودکامگی باشد، رفتارهای سلطه‌گرایانه، آمرانه و خودکامگی در رفتار و مناسبات حکومتی ظهور می‌کند و اگر حکومت به مفهوم مشارکت، هدایت و خدمت باشد، رفتارهای خاص این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۱). در اندیشه علوی، حکومت هرگز به معنای خودرایی و خودکامگی

نیست. در نهج البلاغه هرگز از حاکم جامعه اسلامی به عنوان مَلِک یا سلطان سخنی در خطبه‌ها و نامه‌ها به میان نیامده است؛ چرا که اصولاً کلمه "سلطان" در بطن خود متضمن مفهوم سلطه است؛ یعنی حاکم از بعد سلطه‌گری مورد توجه است. همچنین کلمه "مَلِک، ملوکیت، مالکیت" نیز که متضمن مفهوم تملک مردم یا تملک سرنوشت مردم است، استفاده نشده است. تعبیراتی که در نهج البلاغه از حاکم جامعه اسلامی به میان آورده شده، یکی "امام" به معنای پیشوا و رهبر است. رهبر کسی است که اگر جمعیتی را و امتی را به دنبال خود می‌کشاند، خود پیشقراول و طلایه‌دار این حرکت است.

مالی از مالهای خداست عز و جل و تو آن را خزانه‌داری تا آن را به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم." (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵)

از طرف دیگر، نهج‌البلاغه مردم را در یک تعبیر به عنوان "رعیت" خطاب می‌کند. این لغت از ماده "رعی" است که به معنی حفظ و نگهداری است. به مردم از آن جهت کلمه "رعیت" اطلاق شده است که حکمران عهده‌دار حفظ و نگهداری حقوق، آزادی‌ها، جان و مال و آنهاست (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۲۹). بنابر این، حضرت در نهج‌البلاغه به جای الناس، از واژه رعیت که نزدیک‌ترین مفهوم به واژه امروزی شهروندی است، استفاده می‌کند به دلیل آنکه واژه الناس، مردم به معنای عام مد نظر است بدون در نظر گرفتن حقوق آنها. بنابر این، رعیت یعنی جمعی که رعایت و مراقبت آنان و حفاظت و حراست حقوق آنان بر دوش ولی امر است.

در مجموع می‌توان در مفهوم‌پردازی حکومت در نهج‌البلاغه مدل زیر را ارائه کرد:



نمودار ۲. مفهوم حکومت به مثابه پیوستگی رهبر و مردم

می‌گیرد و رفتار و مناسبات مدیریتی از آن برمی‌خیزد. این رابطه می‌تواند رابطه‌ای یک‌سویه یا دو سویه باشد. امام علی (ع) رابطه زمامداران و مردمان، دولت و ملت و والی و رعیت را رابطه‌ای دو سویه و متقابل بر اساس رابطه‌ی دو ذی‌حق می‌داند. همه‌ی تلاشش در این جهت بود که این رابطه‌ی دوطرفه بر اساس حقوق متقابل به خوبی و به درستی

حضرت در خطبه ۱۷۴ چنین می‌فرماید: «ای مردم! به خدا سوگند که من شما را به هیچ فرمانی ترغیب نمی‌کنم جز آنکه خود به انجام دادن آن بر شما پیشی می‌گیرم و شما را از معصیتی نهی نمی‌کنم جز آنکه خود پیش از شما از انجام دادن آن باز می‌ایستم».

تعبیر دیگر، "والی" است. والی از ولایت یا ولایت گرفته شده است. ولایت در اصل معنای لغت به معنای پیوند و همجواری دو چیز است. هر چند برای ولایت، معانی دیگری از جمله: محبت، سرپرستی، آزاد بودن برده، ارباب برده بودن و ... ذکر کرده‌اند، اما آنچه مد نظر ماست، ولایت به معنای اتصال دو شیء به همدیگر است، به طوری که هیچ چیز میان آن دو فاصله نشود که تعبیر دیگر آن، هم‌پیوستگی و هم‌جواری است. با این تعبیر، والی امت آن کسی است که امور مردم را بر عهده دارد و با آنان پیوسته است و همین معنی، بُعد خاصی را از مفهوم حکومت از نظر نهج‌البلاغه روشن می‌کند؛ بدین معنا که ولی امر یعنی متصدی این امر از حکومت که هیچ امتیازی از لحاظ وضع زندگی و برخورداری‌های مادی به او تعلق نمی‌گیرد. بنابر این، به تعبیر نهج‌البلاغه، حکومت هیچ گونه نشانه و اشاره‌ای از سلطه‌گری ندارد. این اندیشه در نامه حضرت به اشعث ابن قیس که امام بعد از اندیشه خودکامگی و خودمحوری‌اش در امر حکومت، او را از استناداری آذربایجان عزل کرد، نمایان است:

«و کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست، بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهداری امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی و بی‌دستور به کاری دشوار درآیی. در دست تو

رابطه زمامداران و شهروندان در نهج‌البلاغه

از مهم‌ترین وجوه حکومت نوع رابطه‌ی زمامداران و مردمان است، اینکه میان زمامداران و مردمان چگونه رابطه‌ای برقرار باشد و هر یک در نگاه دیگری چه جایگاهی داشته باشد و نسبت میان آنان بر چه اساسی استوار باشد، از امور محوری در حکومتهاست؛ به گونه‌ای که ساختار حکومت بر آن شکل

تبيين شود و حقوق‌مداری به جای خودکامگی و خودکامگی - پذیری اساس و محور روابط حکومتی باشد. در این صورت است که حکومت ماهیتی انسانی می‌یابد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۲۵)

بنابر این، امیرمؤمنان(ع) در تمام دوران حکومت خود با این تلقی که حق از آن زمامداران است و تکلیف بر دوش مردمان و میان والی و رعیت رابطه‌ای یکسویه برقرار است، به شدت مبارزه کرد و بر حقوق‌مداری تأکید ورزید و حقوق متقابل دولت و ملت را بیان و بر اجرای آن ایستادگی کرد. امام علی(ع) در خطبه‌ای که در صفین ایراد کرده چنین فرمودند: «اما بعد، همانا خدا بر شما برای من حقی قرار داد، چون زمامداری شما را به عهده‌ام نهاد و شما را نیز حق است بر من، همانند حق من که شما راست بر گردن. پس حق فراخ‌ترین چیزهاست که وصف آن گویند و مجال آن تنگ، اگر خواهند از یکدیگر انصاف جویند. کسی را حقی نیست جز آنکه او را حقی بر دیگری است و اگر کسی را حقی بود که حقی بر او نبود، خدای سبحان است نه دیگری از آفریدگان، چه او را توانایی بر بندگان است و عدالت او نمایان است در هر چیز که قضای او بر آن روان است و دگرگونیها در آن نمایان. لیکن خدا حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پاداش آنان را در اطاعت، دو چندان یا بیشتر نهاده، از در بخشندگی و افزون‌دهی که وی را سزااست». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۲۱۶)

بنابر این، امام(ع) به صراحت به تبیین حقوق متقابل پرداخته و این حقیقت را یادآور شده که هر جا حقی ظهور می‌یابد، تکلیفی نیز پیدا می‌شود و حق و تکلیف لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ گونه حق یک‌طرفه برای کسی وجود ندارد و تنها خدای متعال است که سزاوار است او را حقی بود که حقی بر او نبود، اما خدای سبحان از سر بخشندگی و افزون‌دهی، در ازای ادای حق خود که اطاعت اوست، برای مردمان دو چندان یا بیشتر پاداش قرار داده و این امر را دوسویه کرده است.

امیر مؤمنان علی(ع) حقوق را طرفینی معرفی کرده و این حقیقت را یادآور شده که از جمله حقوق الهی، حقوقی است که برای مردم بر مردم قرار داده است و آنها را چنان وضع کرده که هر حقی در برابر حقی دیگر قرار می‌گیرد. هر حقی به نفع یک فرد یا یک جمعیت، موجب حقی دیگر است که آن را متعهد می‌کند و هر حقی آن گاه الزام‌آور می‌گردد که دیگری هم وظیفه‌ی خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد انجام دهد(مطهری، ۱۳۶۶: ۱۰۷-۱۰۶). آن حضرت چنین فرموده است: «پس خدای سبحان برخی از حقه‌های خود را برای بعض مردم واجب داشت و آن حقه‌ها را برابر هم نهاد و واجب شدن حقی را مقابل گزاردن حقی گذاشت، حقی بر کسی واجب نبود مگر حقی که برابر آن است گزارده شود». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۲۱۶)

همچنین امام علی(ع) در هر فرصتی جامعه‌ی خویش را با حقوق متقابل زمامداران و مردمان آشنا می‌کرد و حدود آن را تبیین می‌نمود تا همگان در مرزهای حقوق حرکت کنند و حریم آن را پاس بدارند. آن حضرت در ضمن خطبه‌ای که مردم را برای پیکار با قاسطین برانگیزانده، چنین فرموده است: «مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید بگزارم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت من وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی را ادا کنید و چون شما را بخوانم بیایید و چون فرمان دهم بپذیرید و از عهده برآیید». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۳۴)

در مجموع تا اینجا نشان داده شد که نوع نگاه حکومت به مردم و نوع نگاه اسلام به زمامدار چگونه است و چه رابطه‌ای بین آنها وجود دارد. تبیین این نوع نگاه و رابطه برای مردم می‌تواند اعتماد، انگیزه و امیدهای مردمی را برای مشارکت در امر حکومت افزایش دهد. بدین سان به مسئله اصلی تحقیق رهنمود می‌شویم که در این نوع رابطه متقابل، نقش و مشارکت مردم در امر حکومت از نگاه نهج‌البلاغه چگونه مفهوم‌سازی شده است.

روش شناسایی پژوهش

انتخاب روش تحقیق تابع مسئله، و هدف تحقیق است. از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، اکتشافی و بنیادی بوده و نیز مسئله حاضر رسیدن به یک الگوی اسلامی مشارکت از متن نهج البلاغه می‌باشد، لذا نوع استراتژی تحقیق مناسب برای بررسی و تحقیق این پژوهش، استراتژی تحقیق کیفی است. در این میان استراتژی تحلیل مضمون به عنوان استراتژی اصلی تحقیق در نظر گرفته شده و در فرایند تحلیل داده‌ها از استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ (استراروس، کوربین، ترجمه بیوک محمدی، ۱۳۸۴) نیز بهره گرفته شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (بروان و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای (بویاتزیز، ۱۹۹۸: ۴):

(الف) دیدن متن؛

(ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛

(ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛

(د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ؛

(ه) تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی.

از جهت دیگر، به دلیل اینکه محقق با متون حدیثی ارتباط دارد باید به قواعد فهم حدیث از جمله: فهم مفردات کلام، مرکبات، توجه به صناعات ادبی به کار رفته در حدیث، تأمل در شأن صدور حدیث، مجازها و ... نیز توجه داشته باشد (مسعودی، ۱۳۸۴)، هر چند سعی شده در این رابطه به تفاسیر معتبر متأخر و متقدم رجوع شود. در مجموع، فرایند روش‌شناسی تحقیق به صورت نمودار ۳ است.

توضیح هریک از مراحل فرایند روش‌شناسی به شرح ذیل است:

مرحله اول: آماده سازی

در این مرحله کلیه منابع مکتوب اعم از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع، شناسایی شد. همچنین از آنجا که تحلیل متون نهج البلاغه نیازمند رجوع به شرح‌های معتبر است، لذا در گام بعدی با استفاده از نظرات خبرگان از شروح متقدم از جمله: شرح ابن میثم و شرح ابن ابی‌الحدید و شروح متأخر از جمله: ترجمه و شرح علامه جعفری در بررسی و تحلیل خطبه‌ها، نامه‌ها و ... استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها از مرحله دوم نمودار فرایند روش‌شناسی تحقیق شروع می‌شود:

مرحله دوم: انتخاب نمونه و کدگذاری توصیفی

در این مرحله ابتدا کلیه نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه مروری اجمالی انجام شد. سپس با توجه به سؤالات تحقیق، خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های مرتبط با موضوع شناسایی شدند و یکسری یادداشت‌های اولیه در کنار آنها نوشته شد. سپس موارد شناسایی شده به خبرگان برای تأیید و شناسایی موارد بررسی نشده در سبد نمونه‌های استخراج شده، ارائه شد. پس از آن با توجه به اینکه کدامین خطبه‌ها و نامه و ... بیشترین اطلاعات را در پاسخ به سؤالات تحقیق داشتند، نمونه‌های نظری انتخاب شدند. بدین ترتیب، ابتدا نمونه‌های نظری از خطبه انتخاب شده و سپس نامه‌ها و حکمتها و همینطور این نمونه ادامه پیدا می‌کند تا اینکه به اشباع نظری برسیم.

با توجه به مطالب گفته شده نمونه‌های انتخاب شده در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به شرح جداول ذیل است.

جدول ۱: نمونه تئوریک‌های تحقیق

متون	نمونه تئوریک
۲۱۶، ۵۱، ۴۰، ۳۴، ۱۶	اول: خطبه‌ها
۵۳، ۶۰، ۶۲، ۵۰، ۴۷، ۴۶، ۲۶، ۱، ۵، ۲۵	دوم: نامه‌ها
۳۷۵، ۲۵۲، ۳۵۴، ۳۷۴	سوم: حکمت‌ها
۲، ۱۹، ۲۰، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۷۶، ۶۷، ۶۲، ۲۷	چهارم: نامه‌ها
۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۲۴۱، ۱۵۶، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۰۵، ۸۷، ۲۷، ۴، ۱۵	پنجم: خطبه‌ها
۴۳۸، ۴۰۱، ۲۰۶، ۲۶۱، ۲۱۱، ۱۹۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۴۷، ۷۳، ۳۵، ۳۱	ششم: حکمت‌ها
۷۰، ۶۳، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۱، ۳۱، ۵۴	هفتم: نامه‌ها
۱۰۱، ۹۵، ۸۸، ۷۶، ۷۴، ۷۱، ۶۴، ۴۱، ۳۹، ۲۹، ۲۸، ۲۴، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۶، ۶۹، ۳۳	هشتم: خطبه‌ها
۶، ۲۱، ۴۲، ۲۹، ۴۵، ۷۴، ۷۹، ۷۱	نهم: نامه‌ها
۱۹۲، ۲۳۸، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۶۴، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۳، ۲۳۲، ۲۰۵	دهم: خطبه‌ها

استخراج می‌شود و در نهایت توسط تکنیک قالب مضامین ارائه می‌شود. گزارش قالب مضامین زیر از نرم‌افزار مکس کیو. دی. ای استخراج شده است.

مرحله سوم: کدگذاری تفسیری
پس از کدگذاری توصیفی نوبت به کدگذاری تفسیری می‌رسد. مراد از کدگذاری تفسیری استخراج مضامین سازمان‌دهنده است که از از خوشه‌بندی مضامین پایه،

قالب مضامین^۱

مشارکت [۰]^۲

مبانی اعتقادی مشارکت [۰]

امربه معروف و نهی از منکر [۵]

مراتب امر به معروف و نهی از منکر [۲]

جهاد با عمل [۲]

جهاد با زبان [۲]

جهاد با قلب [۲]

اهمیت [۰]

زیر و رو شدن انسان در صورت فقدان آن [۱]

از صفات و شئون الهی [۱]

^۱ قالب مضامین یکی از تکنیک‌های تحلیل مضمون است که نرم‌افزار maxda آن را بدین صورت نشان می‌دهد.

^۲ معنای اعداد داخل پرانتز به معنای تعداد کدهای مستخرج از متن و شرح‌های نهج البلاغه است که در نرم‌افزار maxqda ثبت شده است. مضامینی که اعداد داخل پرانتز آن صفر است، بدان معناست که محقق خود آن مضمون را ساخته است و مستقیماً از متن استخراج نشده است.

مهم‌تر از جهاد و کوشش [۱]

مقصود و هدف [۰]

امر به معروف به جهت اصلاح مردم [۱]

نهی از منکر به جهت بازداشتن سفیهان از بدی‌ها [۱]

مشارکت بر مبنای جهاد است [۲]

امر به معروف و نهی از منکر از پایه‌های جهاد [۱]

قضایای مبنایی مشارکت [۰]

قضیه مبنایی ۱- اصلاح طرفینی دولت - شهروند [۳]

مردم شروع‌کننده هستند [۱]

ضروری بودن چنین رابطه‌ای [۱]

قضیه ۲- اصلاح طرفینی مبتنی بر ادای حق و تکلیف [۲]

معنای حق [۰]

حق یک طرفه: مخصوص خدا [۱]

مقصود از حق: حقوق انسان‌ساز [۱]

حق و تکلیف طرفینی [۲]

حقوق متقابل شهروند و رهبر: بزرگ‌ترین حقوق الهی [۲]

منشأ تعیین حقوق و تکالیف واجب: خداوند [۲]

قضیه ۳ - حسن تعاون و تعامل بین شهروندان و دولت [۱]

تعاون کردن: برای اقامه حق [۱]

مشارکت همگانی در اقامه حق [۱]

مشارکت شهروندی [۰]

مشارکت در فرایند خط‌مشی‌گذاری [۱]

تدوین خط‌مشی [۰]

مسئله‌یابی [۲]

مشاوره و تصمیم‌سازی [۶]

سطح مشورت [۱]

اجرا خط‌مشی [۰]

مشارکت سیاسی: انتخاب رهبر جامعه [۱]

شایستگی‌های رهبر جامعه [۱]

توانمندتر در تحقق اهداف حکومت [۱]

آگاه‌تر بر دستورات دین [۱]

مدنظر بودن انتخاب رهبر جامعه توسط خیرگان جامعه [۳]

مشارکت اقتصادی: حمایت مادی [۰]

کمک مادی به مجاهدین در صورت اضطرار [۲]

پرداخت مالیات [۱]

مشارکت نظامی - امنیتی: جهاد با دشمن [۷]

مشارکت فرهنگی - اجتماعی [۰]

نصیحت طرفینی [۱]

نصیحت کردن به اندازه توان یکدیگر [۲]

رعایت انسجام و وحدت دورنی [۲]

حفظ پیوند دوستی [۱]

بخشش یکدیگر و پرهیز از تفرقه [۱]

نظارت بر خط مشی [۰]

حسابرسی مردم [۱]

دادخواهی و شکایت [۳]

اعتراض و نقادی [۲]

عذرخواهی مردم [۱]

مشارکت دولتی [۰]

زمینه‌سازی: آماده‌سازی [۰]

اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی تصمیمات [۲]

علل عدم اطلاع‌رسانی در امور نظامی [۱]

مطالبه دولتی: دعوت به مشارکت و اعلام کردن دریافت نظرات [۲]

استماع عمومی از طریق ملاقات‌های عمومی با مردم [۴]

مردم‌باوری و عدم دخالت در امور مردمی [۰]

سیاست‌گذاری و هدایت [۵]

آموزش شهروندان - شهروند دانا [۸]

حمایت عادلانه [۰]

عدالت مراوده‌ای [۰]

عدم برخورد تند در اخذ مالیات [۱]

اعتماد و حسن ظن به مردم [۱]

تبیین و آگاهی‌بخشی در اخذ مالیات [۲]

عدالت رویه‌ای [۰]

اخذ عادلانه مالیات [۱]

انعطاف‌پذیری در اخذ مالیات [۱]

انصاف و مراعات در اخذ مالیات [۱]

عدالت توزیعی بیت‌المال [۶]

عدم پارتی‌بازی در توزیع بیت‌المال [۱]

نظارت و پایش [۱]

نظارت بر حسن اجرای قوانین و خط مشی‌ها [۱]

نظارت بر کارگزاران [۴]

ارزیابی، پاسخگویی و اقدامات بهبود [۰]

پاسخگویی و رسیدگی مستقیم به مسائل مردم [۱]

نقادی و سرزنش [۰]

نقادی و سرزنش عموم [۴]

سرزنش و هشدار به مسئولان [۱]

تنبیه و مجازات [۰]

تنبیه کسبه و تجار [۱]

تنبیه و مجازات و عزل مسئولان خیانتکار [۵]

یافته‌های تحقیق

با توجه به توضیحات بخش گذشته، الگوها و یافته‌های تحقیق که در حقیقت شبکه‌های مضامین ما را شکل می‌دهند به صورت شرح ذیل می‌باشد:

فضایای مشارکت شهروندی

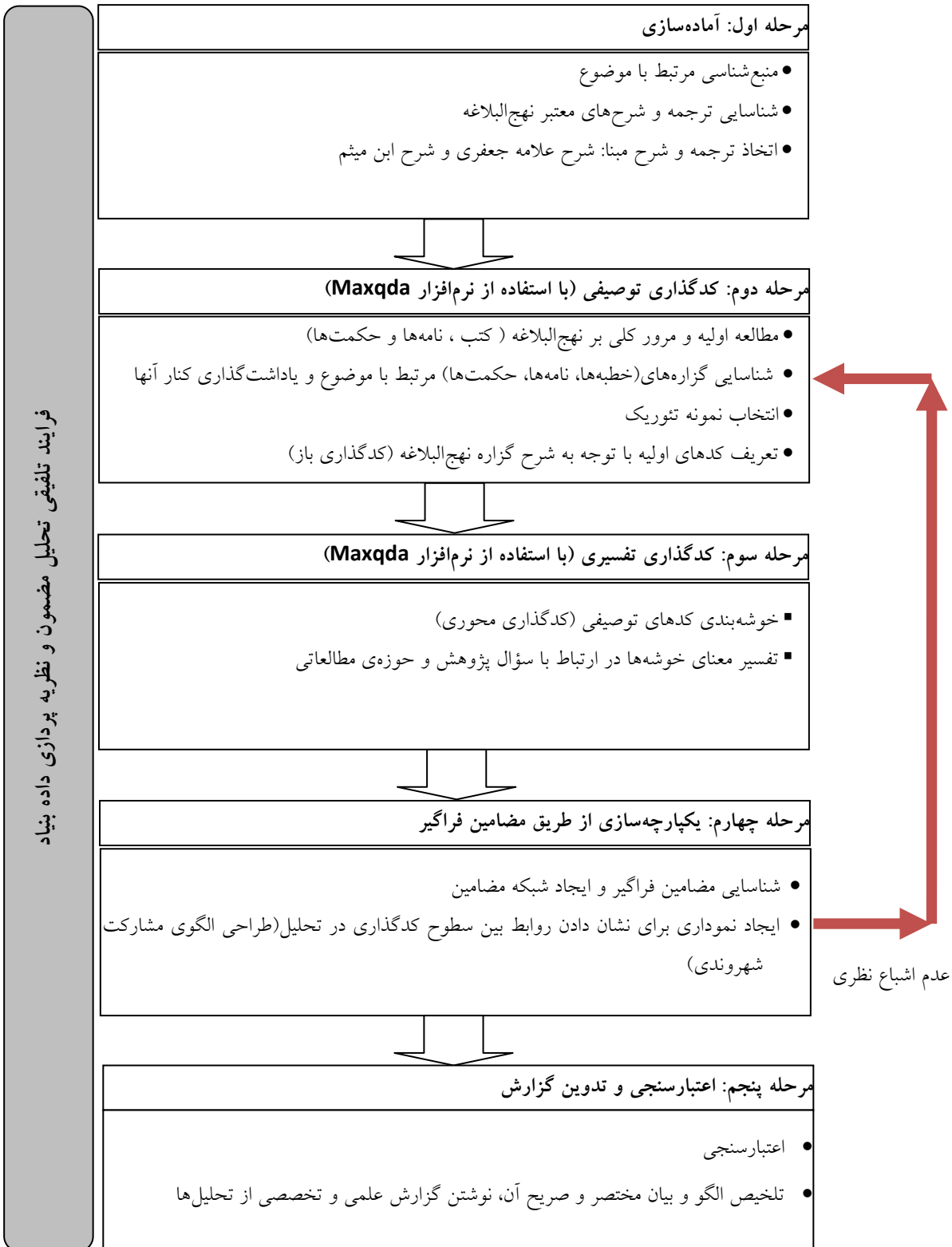
قضیه ۱- اصلاح ظرفیتی دولت- شهروند

این قضیه بیان می‌کند که دولت و شهروند یک تعامل ظرفیتی و رفت و برگشتی با یکدیگر دارند تا همدیگر را اصلاح نموده، در مسیر رشد و تعالی و بهبود قرار دهند. حضرت در خطبه ۲۱۶ به ضرورت اصلاح ظرفیتی دولت - شهروند چنین می‌فرماید:

«فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ، إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ»؛ "پس حال رعیت نیکو نگردد جز آن گاه که والیان نیکو رفتار باشند، و والیان نیکو رفتار نشوند، جز آن گاه که رعیت درستکار باشند». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۲۱۶)

قضیه ۲- اصلاح ظرفیتی مبتنی بر ادای حق و تکلیف

این قضیه بیان می‌کند که اصلاح ظرفیتی زمانی محقق می‌شود که طرفین دولت و شهروندان حقوق خود و دیگری را به خوبی بشناسند و حقوق خود را مطالبه و به تکالیف خود در قبال دیگری عمل کنند. این حقوق متقابل از بزرگ‌ترین حقوق الهی محسوب می‌شود. مقصود از حق در کلام امیرالمؤمنین فقط حقوق مربوط به تنظیم روابط زندگی دسته‌جمعی در جامعه نیست، بلکه یک ضرورت ماشینی زندگی اجتماعی است. همچنین این حق است که می‌تواند زمامداری را از دیدگاه امیرالمؤمنین دارای ارزش نماید، مانند حقوق جان‌های آدمیان است که بدون تفسیر و اجرای آنها، انسانی وجود ندارد. روشن‌ترین دلیل این است که مقصود از حق، معنای عمومی آن است، سرتاسر زندگی امیرالمؤمنین و سخنان او در نهج‌البلاغه است که می‌توان گفت اکثر این سخنان مربوط به انسان‌سازی و نشان دادن طرق «حیات معقول» است (علامه جعفری، ۱۳۷۷، شرح خطبه ۳۳). حضرت در ادامه خطبه ۲۱۶ به ادای حقوق متقابل و پیامدهای حاصل از آن اشاره می‌کنند: «پس چون رعیت حق والی را بگزارد، و والی حق رعیت را به جای آرد،



مشارکت شهروندی، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده و یکسری بستری‌های وجود دارد. الگوی زیر نشان می‌دهد شهروندان و نیز دولتمردان در تحقق مشارکت شهروندی نقش مهمی دارند. دولتمردان از یک طرف می‌توانند اقداماتی انجام دهند که منجر به کاهش یا افزایش مشارکت شهروندی شود که در این الگو به عوامل پیش‌برنده و عوامل بازدارنده منشأ دولتی نامگذاری شده است و همچنین می‌بایست بستری‌های تحقق شکل‌گیری مشارکت شهروندی را نیز به وجود بیاورند. از طرف دیگر، شهروندان نیز می‌بایست برای مشارکت مورد نظر این تحقیق نیز اقداماتی انجام دهند. این اقدامات می‌توانند پیش‌برنده یا بازدارنده باشند و همچنین یکسری از بستری‌ها را خود باید به وجود بیاورند.

بنابر این، هر یک از دوگان می‌بایست یکسری عوامل پیش‌برنده‌ای را تقویت کرده، عوامل بازدارنده‌ای را مرتفع و بستری‌ها و زمینه‌های حاصلخیز مشارکت را به خوبی آماده سازند. از طرف دیگر، شهروندان نیز می‌بایست برای مشارکت مورد نظر این تحقیق نیز اقداماتی انجام دهند.

الگو و فرایند تعاملی و دوسویه مشارکت دولت - شهروند

در این بخش، فرایند و تعامل و رابطه دوسویه دولت و شهروند در مدل مادر مشارکت تبیین می‌شود. در این موضوع، سؤال اصلی این است که ابعاد مشارکت دوگان دولت - شهروند چیست؟ به عبارت دیگر؛ سؤال این است که هر کدام از مشارکت دولتی و مشارکت مردمی چه ابعاد و مؤلفه‌هایی از منظر نهج‌البلاغه دارد؟ محقق در پاسخ و تبیین مشارکت شهروندی محقق از مدل عقلایی سیلنگلری عمومی مشتمل بر سه گام تلویح خط مشی، اجرای خط مشی و نظارت و کنترل خط مشی استفاده نموده است؛ چرا که دلالت‌های نهج‌البلاغه نیز چنین مدلی را تأیید می‌کنند. طبق این مدل شهروندان می‌توانند در تدوین خط مشی مشتمل دستورکارگزاری و ارائه پیشنهادهایی در آن زمینه کمک مهمی به دولت داشته باشند. همچنین اجرای سیاستها و خط مشی‌های مصوب دولت توسط مردم با سهولت و تضمین کیفیت بهتری انجام می‌پذیرد در نتیجه

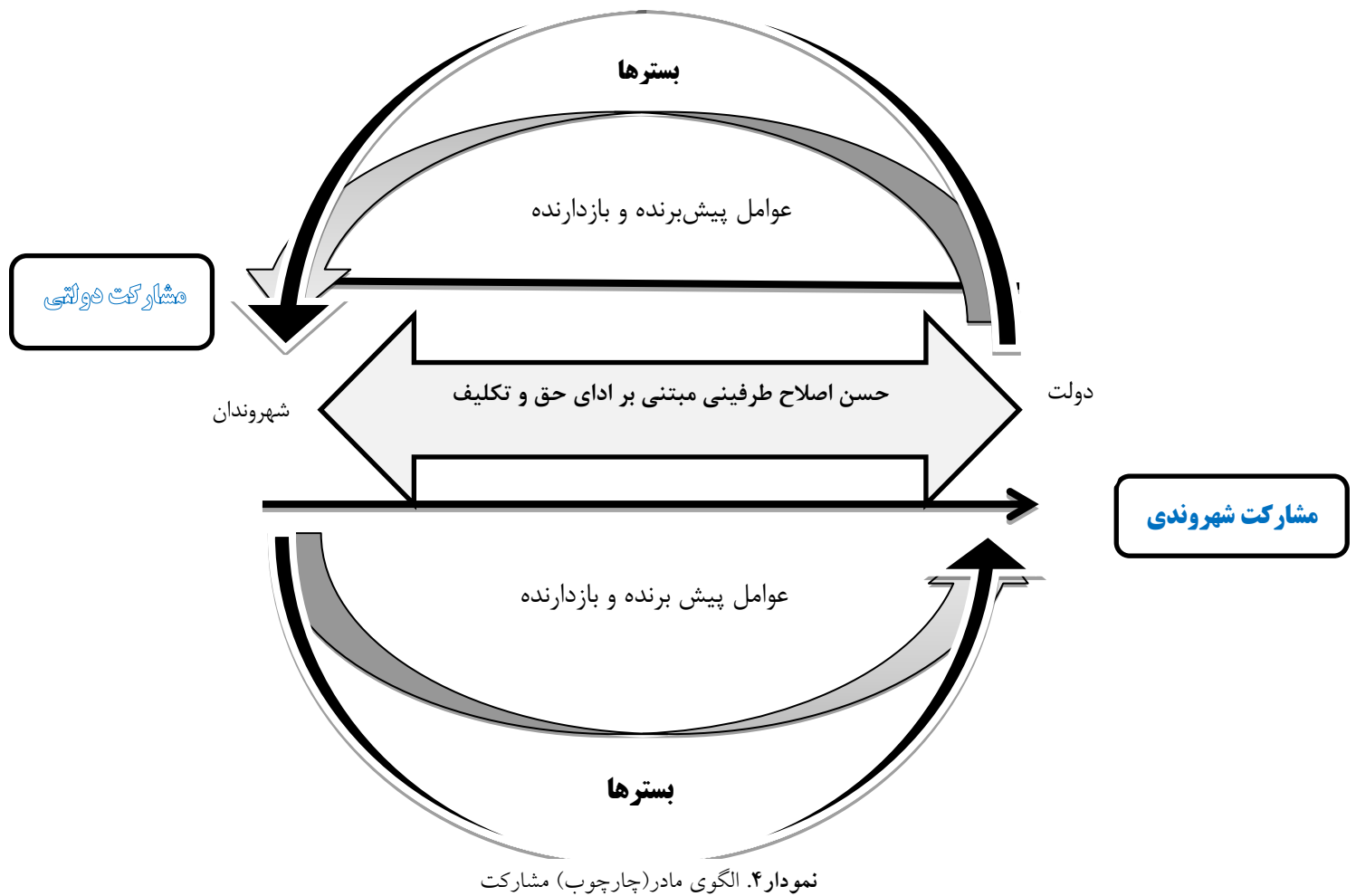
حق میان آنان بزرگ‌مقدار شود و راههای دین، پدیدار و نشانه‌های عدالت، پابرجا و سنت چنانکه باید اجرا. پس کار زمانه آراسته گردد» (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۲۱۶)

قضیه ۳- حسن تعاون و تعامل بین دولت - شهروند

حسن تعامل و تعاون بین دولت و شهروندان لازمه تحقق اصلاح ظرفیتی خواهد بود؛ به طوری که دولتمردان و شهروندان در راستای اصلاح می‌بایست بهترین شکل همکاری و مشارکت را با یکدیگر داشته باشند. حضرت در خطبه ۲۱۶ ضرورت این حسن تعاون را با واژه فعلیکم چنین فرموده‌اند: «فَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِحِّ فِي ذَلِكِ، وَحَسُنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ»؛ «پس بر شماست یکدیگر را در این باره اندرز دادن و حق همکاری را نیکو گزاردن» (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۲۱۶). همچنین حضرت در فراز دیگری جهت و مقصود این حسن تعاون را قضیه دوم؛ یعنی ادای حق و تکلیف می‌داند: «والتَّعَاوُنُ عَلَيَّ إِقَامَةُ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ»؛ «و در برپا داشتن حق میان خود، یاری یکدیگر نمودن» (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۲۱۶)

الگوی مادر مشارکت شهروندی

بر اساس سه قضایای ذکر شده "حسن اصلاح ظرفیتی دولت - شهروند مبتنی بر ادای حق و تکلیف" الگوی اصلی مشارکت از دیدگاه نهج‌البلاغه مبتنی بر دوگان دولت - شهروند شکل می‌گیرد (نمودار ۲). این تعامل و اصلاح ظرفیتی نشان می‌دهد که صحبت از مشارکت شهروندی بدون در نظر گرفتن مشارکت دولتی امری ناقص است و این دو مشارکت لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ به طوری که در تبیین و فهم دقیق از مشارکت شهروندی می‌بایست تعاملات و روابط ظرفیتی را در نظر گرفت. همانطور که ملاحظه شد حضرت در خطبه ۲۱۶ اصلاح ظرفیتی را امری ضروری می‌دانند و بر این باورند که باید به بهترین شکل همکاری و مشارکت انجام پذیرد. بنابر این، مشارکت شهروندی به تناظر مشارکت دولتی به منظور اصلاح یکدیگر معنا و مفهوم پیدا می‌کند. صحبت از یکی لاجرم تبیین مشارکت طرف دیگری را شامل می‌شود. همانطور که در الگوی مادر ملاحظه می‌شود برای تحقق



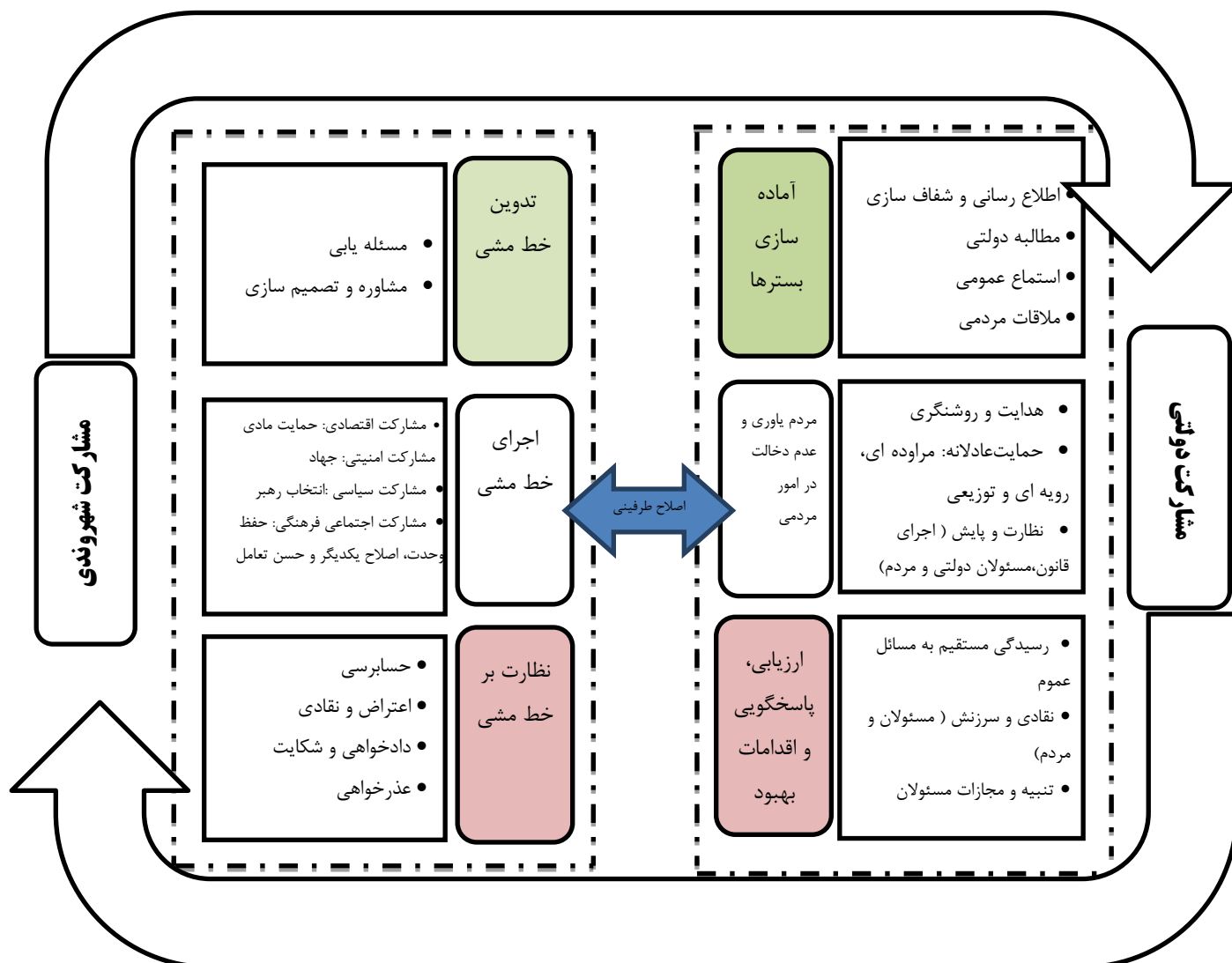
می‌دهد که در ادامه به تبیین هر یک از انواع مشارکت و ابعاد آن می‌پردازیم.

مشارکت شهروندی از منظر نهج البلاغه

فرایندی است که از طریق آن نیازها، انتظارات، نظرات و ارزشهای عمومی در خط‌مشی‌ها و تصمیمات دولتمردان و سیاستگذاران انعکاس پیدا می‌کند و به صورت‌های مختلف و به درجات گوناگون امکان وجود دارد. به عبارت دیگر؛ مشارکت شهروندی فرایندی است که شهروندان نقش خود را در فرایند سیاستگذاری؛ تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی ایفا می‌کنند.

شهروندان در اجرای خط‌مشی مشارکت دارند. در بعد نهایی نظارت همگانی به عنوان ابزارهای نظارتی سیاستها سطح دیگری از مشارکت شهروندی خواهد بود.

در مقابل، مشارکت دولتی به تناظر هر یک از ابعاد مشارکت شهروندی شکل خواهند گرفت؛ به طوری که در مقابل سطح مشارکت شهروندان در تدوین خط‌مشی، دولت باید بستر و زمینه‌های لازم را برای شهروندان ایجاد کنند تا مردم با سهولت با دولت در ارتباط باشند. در سطح تدوین خط‌مشی، نیز دولت‌ها در مقابل باید به اقدامات هدایتی، حمایتی و نظارتی روی بیاورند. در نهایت در سطح نظارت همگانی دولت‌ها در مقابل به ارزیابی اقدامات و پاسخگویی به خواسته‌های مردم اقدام می‌کنند تا چرخه بهبود و اصلاح دائما در جریان باشد. نمودار ذیل این فرایند دوسویه را نشان



نمودار ۵. فرآیند تعاملی و دوسویه مشارکت شهروند- دولت

مشارکت شهروندی

بعد اول- مشارکت شهروندان در تدوین خط مشی

حضرت در این سطح طبق بیانات صریح و روشن نهج البلاغه ، مردم را به دو اقدام دعوت و سفارش می کند:

- مسئله یابی:

در نامه ۵۳ حضرت خطاب به مالک اشتر سفارش می- کند که مقدم ترین مردم از نگاه او باید کسی باشد که مسائل و حقایق را روشن تر از دیگران بیان می کند: "آن کس را بر دیگران برگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید". (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵۳)

به طور کلی، تشخیص و تحقیق در ماهیت موضوعاتی که ارتباطاتی با انسانها پیدا می کنند در اختیار خود مردم است. مشورت در تحقیق و تشخیص موضوعات و ارتباطات آنها با شئون انسانی یک قانون اصیل است که بهترین راه برای بدست آوردن واقعیات در امور نظری

است. (جعفری، ۱۳۷۷، شرح خطبه ۴۰)

- مشاوره و تصمیم سازی

دومین سفارشی که حضرت به شهروندان دارد و آن را جزء حقوق مردم محسوب می کنند، مشورت با مردم در امر جامعه (غیر امور نظامی و احکام شرعی) است. در

❖ پرداخت مالیات: مالیات از جمله مهم‌ترین ابزارهای تحقق بودجه دولت در همه کشورهای دنیا تلقی می‌شود؛ چرا که اصولاً منطق بودجه دولت چنین امری را اقتضا می‌سازد. باتوجه به چنین منطقی است که حضرت مردم را سفارش می‌کند که در پرداخت مالیات‌ها کمال همکاری را با کارگزاران داشته باشند:

«سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولی خدا و خلیفه او سوی شما فرستاد تا حقی را که خدا در مالهااتان نهاد از شما بگیرم، آیا خدا را در مالهای شما حقی است تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه! متعرض او مشو، و اگر کسی گفت: آری! با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی، یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی! آنچه از زر یا سیم به تو دهد، بگیر، و اگر او را گاو و گوسفند و شترهاست، بی رخصت او میان آن مشو» (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۲۵)

❖ کمک‌های ضروری مادی: به غیر از پرداخت مالیات، گاهی شرایط بحرانی و ضروری جامعه طوری پیش می‌آید که مردم کمک بیشتری باید بکنند. حضرت در نامه ۶۰ با توجه به موضوع امنیت کشور و مواقع بحرانی، به فرماندهان نظامی دستور می‌دهد در پشتیبانی از نیروهای نظامی از مردم کمک بگیرید، با قید اینکه این کمک نباید موجب اذیت و آزار مردم بشود.

مشارکت فرهنگی، اجتماعی شهروندان

شهروندان به لحاظ فرهنگی-اجتماعی جامعه نیز علاوه بر وظایف دولت در این زمینه مسئولیت ویژه‌ای دارند. در حقیقت؛ در شکل‌گیری فرهنگ عمومی مطلوب، خود مردم باید پیش رو باشند. این وظایف و اقدامات از منظر نهج‌البلاغه مشتمل بر موارد ذیل است:

❖ نصیحت و یاری طرفین: مردم موظفند که اگر چنانچه خطا و ناهنجاری در جامعه دیدند، همدیگر را نصیحت و ارشاد کنند و در تحقق یک فرهنگ عمومی مطلوب سهیم باشند. البته طبق بیان صریح حضرت در نهج‌البلاغه تلاش در این امور به اندازه توان و ظرفیت انسان بستگی دارد:

حقیقت حضرت برای مردم نقش تصمیم‌سازی قائل هستند. حضرت در نامه ۵۰ بیشترین صراحت بیان را برای این موضوع دارند:

"بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ- که از پوشاندن آن ناگزیرم- و کاری را جز (در حکم) شرع بی‌رأی زدن با شما انجام ندهم». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۵۰)

بعد دوم- مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی

در این بعد شهروندان به تناسب سیاست‌های مختلف دولت نقش ایفا می‌کنند. این سیاست‌ها از منظر نهج‌البلاغه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی- نظامی تدوین شده و نقش مردم در هر یک از حوزه مشخص شده است.

مشارکت سیاسی شهروندان

مشارکت سیاسی مردم در نهج‌البلاغه در قالب انتخابات مسئولان عالی رتبه کشور معنی و مفهوم پیدا می‌کند. حضرت در نهج‌البلاغه اشاره می‌کنند که مردم آزادانه و با میل و اختیار نه زور و یا شیوه‌های اغواگرایانه رهبران و کارگزاران خود را انتخاب می‌کنند همچنان که در زمامداری و خلافت خود مردم چنین کردند.

«مردم، موقعی عثمان را مورد طعن و سرزنش قرار داده بودند که من از مهاجران بودم و بسیار خواستار خشنودی جامعه از او بودم و کمتر وی را سرزنش می‌کردم، اما طلحه و زبیر، آسان‌ترین رفتارشان در باره او، تندروی و آهسته‌ترین آوازشان بسیار رنج‌آور بود، و عایشه نیز به طور بی‌سابقه بر او خشم گرفت، بنابر این گروهی بر او شوریدند و وی را به قتل رساندند، سپس (مردم) بدون اکراه و اجبار، بلکه با میل و اختیار با من بیعت کردند». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۱۷۳)

مشارکت اقتصادی شهروندان

همکاری اقتصادی شهروندان یا تحقق سیاست‌های اقتصادی دولت توسط مردم، نوع دیگری از مشارکت شهروندان در اجرا تلقی می‌شود. در نگاه نهج‌البلاغه این امر در دو حوزه تحقق پیدا می‌کند.

«لیکن از جمله حق‌های خدا بر بندگان یکدیگر را به مقدار توان اندرز دادن است، و در بر پاداشتن حق میان خود، یاری یکدیگر نمودن». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۲۱۶)

❖ رعایت انسجام و وحدت درونی

از جمله سفارش‌های حضرت به مردم حفظ وحدت و یکپارچگی درونی بین جامعه است. حضرت جهت تحقق این امر در نامه ۴۷ شهروندان را به حفظ پیوند دوستی، گذشت و بخشش و پرهیز از هرگونه اختلاف تفرقه‌انداز توصیه می‌کند: «بر شما باد به پیوستن با یکدیگر، و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۴۷)

مشارکت نظامی - امنیتی شهروندان

گاهی اوقات در مواقع حساس که امنیت کشور اسلامی در معرض تهدید قرار می‌گیرد. شهروندان با توجه به اصول اعتقادی و مصلحت در جهاد شرکت می‌کنند و در صفوف لشکریان مبارزه با دشمنان اسلام قرار می‌گیرند حضرت در طول زمامداری خود بارها و بارها مردم را به دلیل عدم شرکت در جهاد علیه دشمن سرزنش می‌فرمود:

" گروه گروه روی به جنگ دشمنان نهید و در خانه‌ها و شهرها تن درنگ مکنید که به ستم گرفتار شوید، به خواری دچار و بهره‌تان کم مقدار. همانا جنگجو بیدار است و آنکه به خواب رود چشمی پی او باز و هشیار نگردهد». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۶۲)

بعد سوم - نظارت شهروندان (نظارت همگانی)

سطح سوم مشارکت شهروندان در نظارت و پایش بر اساس سیاست‌ها، رفتارها و گفتارهای سیاستمداران و ... قرار دارد. در این سطح شهروندان به عنوان چشم بینا همه امور را رصد کرده، واکنش‌های مناسب را انجام می‌دهند. واکنش‌های مربوطه در سطح نظارت شهروندان از منظر نهج‌البلاغه مشتمل بر موارد ذیل است:

❖ اعتراض و نقادی

بیان شکایت‌ها و اعتراض‌ها نسبت به ظلم و ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها از جمله حقوق شهروندان محسوب می‌شود که حضرت بدان اشاره می‌کنند:

«پس شکایت‌هایی را که دارید به من برسانید، و آنچه از آنان به شما می‌رسد و جز به وسیله خدا و من توانایی برطرف کردن آن را ندارید، با من در میان گذارید تا من به یاری خدا آن را تغییر دهم». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۶۰)

❖ شکایت و دادخواهی

حضرت شکایت کردن شهروندان از دولت به دلیل اعمال برخی از سیاستها را از حقوق مسلم بیان می‌کنند. به عنوان مثال در نامه ۵۳ داریم:

«و اگر از سنگینی مالیات شکایت کردند، یا از آفتی که به کشت رسیده، یا آبی که از کشتهاشان بریده، یا باران بدان‌ها نباریده یا بذر زمین بر اثر غرق شدن یا بی‌آبی تباه گردیده، بار آنان را سبک گردان چندانکه می‌دانی کارشان سامان پذیرد». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۵۳)

❖ حسابرسی مردم

همچنین مردم نسبت به ثروت‌اندوزی و فسادهای مالی مسئولان و کارگزاران نظارت و چشم بینایی دارند. حضرت در نامه ۴۰ خطاب به یکی از کارگزاران خاطی به طور غیر مستقیم به این امر اشاره می‌کنند:

«از تو به من خبری رسیده است؛ اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده باشی و امام خویش را نافرمانی کرده و امانت خود را از دست داده‌ای. به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاهداشته‌ای و آنچه در دست بوده خورده‌ای. حساب خود را به من بازپس بده و بدان که حساب خدا بزرگتر از حساب مردمان است». (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۴۰)

❖ عذرخواهی مردم

شهروندان علاوه بر دولت، بر اعمال و اقدامات خود نیز باید

نظارت و ارزیابی منصفانه‌ای داشته باشند. گاهی اوقات کوتاهی‌ها از طرف مردم به وجود می‌آید در این حالت همانطور که مردم توقع دارند که دولتمردان به صراحت اقرار به اشتباه و خطا کنند، خودشان نیز نسبت به دولت می‌بایست اقدام مشابه انجام بدهند. حضرت در خطبه ۸۶ از مردم به دلیل قصورات، عدم هم‌رایی و پیروی می‌خواهد که عذرخواهی کنند.

مشارکت دولتی از منظر نهج البلاغه

همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، مشارکت دولتی به تناظر ابعاد و فرایند مشارکت شهروندی شکل می‌گیرد. در واقع مشارکت دولتی، مشارکتی است که حکومت در آماده‌سازی بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری مشارکت شهروندی، در مردم محوری و مردم‌یابوری اجرای خط مشی‌ها و پاسخگویی به آنها انجام می‌دهد، اطلاق می‌شود. در این بخش هریک از ابعاد مشارکت دولتی توضیح داده می‌شود:

بعد اول- آماده‌سازی زمینه‌ها و بسترها

این بعد به تناظر مشارکت شهروندان در تدوین خط مشی شکل می‌گیرد. در حقیقت؛ اگر دولت توقع دارد مردم در این زمینه فعال باشند و مسائل اساسی را شناسایی کنند و راه حل‌ها و پیشنهادهایی بدهند، در مقابل، دولت باید بستر این اقدامات را باید تهیه کنند. بسترهای برنامه‌ریزی شده از سوی دولت طبق مفاهیم و گزاره‌های نهج البلاغه می‌بایست شامل موارد زیر باشد:

❖ اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی

طبق بیان صریح امام، دولت‌ها موظفند که مردم را از کلیه امور جامعه و تصمیمات، به غیر از اطلاعات نظامی- امنیتی مطلع سازند:

«بدانید حق شماسست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ که از پوشاندن آن ناگزیرم»
(سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵۰)

❖ استماع عمومی از طریق ملاقات‌های مردمی

حضرت والیان خود را موظف می‌کند که با مردم ملاقات‌های حضوری داشته باشند و از نزدیک مسائل و مشکلات آنها با بشنوند:

«و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبان، از آنان بازدار، تا سخنگوی آن مردم با تو گفتگو کند».(سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵۳)

❖ مطالبه دولت

دو سازوکار پیشین زمانی کامل می‌شود که مردم عزم جدی مسئولان و دولت را برای یاری خواستن ببیند. حضرت بارها و بارها در نهج البلاغه از مردم درخواست می‌کند که او را با گفتن سخنان حق یاری نمایند:

«پس، از گفتن حق، یا رای زدن در عدالت باز مایستید، که من نه برتر از آنم که خطا کنم، و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانا تر است».(سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۲۱۶)

بعد دوم- مردم یابوری و عدم دخالت در امور مردمی

دولت‌ها امروزه در صددند که اجرای خط‌مشی‌ها را به مردم واگذار کنند و نقش حداقلی در فرایند سیاست‌گذاری ایفا نمایند. در این نقش حداقلی، دولت‌ها به سیاست‌گذاری و هدایتگری، حمایت و نظارت روی می‌آورند و نتیجه آن واگذاری امور به مردم و پشتیبانی و یابوری آنهاست.

❖ هدایت و روشنگری دولت

حضرت علی(ع) طی دوران حکومتش برای مردم روشنگری و آنها را هدایت می‌کرد. نمونه‌هایی از روشنگری و هدایت حضرت به مردم را می‌توان در خطبه ۱۶۸ ملاحظه کرد.

حضرت در واقع‌بینی در مبارزه با ناکثین چنین می‌فرماید:
«آنان میان شما به سر می‌برند، هرچه می‌خواهند بر سر شما می‌آورند. آیا بر آنچه می‌خواهید تواناید، کاری که پیش آمده

نباریده یا بذر زمین بر اثر غرق شدن یا بی‌آبی تباہ گردیده، بار آنان را سبک گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد...» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵۳)

➤ عدالت مراوده‌ای

دولتمردان و مسئولان در برخوردها، رفتارها و گفتارها نیز نباید کسی را بر کسی دیگر مرجح سازند. حضرت ماموران مالیاتی را چنین سفارش می‌کند که در اخذ مالیات با مردم نباید تند رفتار نمایند و می‌بایست برای مردم تبیین کنند که چرا مالیات می‌دهند و همچنین سفارش می‌کنند که اعتماد و حسن ظن به مردم یک اصل است و نباید شک و تردیدی در خود اظهاری مردم وجود داشته باشد. نامه ۲۵ استنادی برای این موضوع است:

«سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و خلیفه او سوی شما فرستاد تا حقی را که خدا در مالها تان نهاد از شما بگیرم، آیا خدا را در مالهای شما حقی است تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید اگر کسی گفت: نه، متعرض او مشو، و اگر کسی گفت: آری با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی، یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی آنچه از زر یا سیم به تو دهد، بگیر و اگر او را گاو و گوسفند و شترهاست، بی رخصت او میان آن در مشو که بیشتر آن رمه، او راست.» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۲۵)

❖ نظارت و پایش مسئولان دولتی

از طرف دیگر، دولت و دولتمردان با واگذاری بیشتر امور به دست مردم باید به امر نظارت و پایش امور دولت و جامعه بپردازند. این نظارت و پایش طبق فرمایشات حضرت در دو سطح قابل تعریف است. یکی اینکه دولت باید بر مسئولان و کارگزاران خود نظارت داشته و همواره آنها را مورد ارزیابی قرار دهد تا از هر گونه تهدیدات ناشی از تخلف و فساد در دولت جلوگیری کنند و دیگر آنکه بر حسن اجرای قوانین و سیاستهای دولت نظارت نماید تا اهداف عالیه دولت مسیر درستی را طی کند. استناد زیر مؤید این موضوع است:

«و همانا من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست. اگر مرا خبر رسد که تو در فیء مسلمانان اندک یا بسیار خیانت

است یادگاری از جاهلیت است. هوای مردم در این داستان اگر در میان آید گونه‌گون راه پیماید. گروهی سخن شما را می‌گویند، و گروهی راهی بر خلاف شما می‌پویند. و گروهی نه با این سوی و نه با آن سوی‌اند. پس شکبیا باشید تا مردم آرام گیرند، و دل‌های رفته به جای آید، و حق‌های - از دست شده - با مدارا گرفته شود. اکنون مرا آسوده گذارید، و فرمان مرا که به شما می‌رسد چشم دارید، و کاری مکنید که قوتی را متزلزل سازد، و یا نیرویی را از کار اندازد، یا وضعی به کار آرد یا خواری‌ای به بار آرد، و من چندان که توانم دست از کارزار باز می‌دارم، و اگر خود را ناچار دیدم روی به جنگ آرم.» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۱۶۸)

❖ حمایت عادلانه

نکته دیگری که جزء تکالیف دولت محسوب می‌شود، حمایت از مردم خود است که می‌بایست مبتنی بر عدالت باشد. این حمایتها مبتنی بر انواع عدالت می‌تواند بر سه طبقه تقسیم شود:

➤ عدالت توزیعی

عدالت توزیعی به معنای توزیع عادلانه ثروت و سرمایه ملی بین مردم و پرهیز از هر گونه ظلم و ستم، خویشاوندسالاری و پارتی بازی در این امور است. حضرت توزیع عادلانه بیت‌المال را از حقوق مردم می‌داند. در نامه ۴۳ خطاب به یکی از کارگزاران خود (مصقله بن هبیره) چنین می‌فرماید: «بدان! مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می‌برند حقشان از این غنیمت یکسان است. برای گرفتن آن نزد ما می‌آیند. حق خود را می‌گیرند و باز می‌شوند.» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۴۳)

➤ عدالت رویه‌ای

عدالت توزیعی منطقی از یک رویه عادلانه نیز پیروی خواهد کرد. بدین نحوه دولت موظف است که در اخذ و جمع‌آوری مالیات از دستورالعملی مشخص و عادلانه و از یک انعطاف، انصاف و مدارا با مردم برخوردار باشد. حضرت در نامه‌های متعدد با والیان شهرها به این نکات اشاره می‌کنند:

«و اگر از سنگینی مالیات شکایت کردند، یا از آفتی که به کشت رسیده، یا آبی که از کشتهاشان بریده، یا باران بدانها

❖ تنبیه و مجازات

دولت موظف است مسئولان و کارگزاران خاطی و حتی قشر خاصی از جامعه که دچار خطا و انحراف شده‌اند را مجازات و تنبیه نماید.

حضرت در نامه‌ای خطاب به زیاد ابن ابیه (قائم مقام و جانشین عبدالله ابن عباس در حکومت بصره) که به بیت‌المال خیانت کرده بود چنین می‌نویسد: «و همانا من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست. اگر مرا خبر رسد که تو در فیء مسلمانان اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که در اندک مال مانی و درمانده به هزینه عیال، و خوار و پریشان حال گردی. والسلام». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۲۰)

پس از تبیین ابعاد الگو و مدل‌های توضیح داده شده نوبت به اعتبار سنجی پژوهش کیفی می‌رسد. کینگ، چهار رویه را برای ارزیابی تحلیل مضمونی پیشنهاد کرده است که عبارتند از: ۱) استفاده از کدگذاران مستقل و گروه خبرگان (۲) دریافت بازخور از مشارکت‌کنندگان در تحقیق (۳) تکرارگریابی (۴) ارائه توصیف غنی و ثبت جزئیات بررسی‌ها (ارجاع به خبرگان) (یاوری، ۱۳۹۱).

در این تحقیق از مورد چهارم برای اعتباربخشی به یافته‌های محقق و اثبات باورپذیری و قابل پذیرش بودن مضامین استفاده شده است. در تکنیک «توصیف غنی و ثبت جزئیات»^۱ (که توسط گریتر در سال ۱۹۷۳ مطرح شد) نیز پژوهشگر شرح مفصلی از پدیده مورد مطالعه و زمینه آن را ارائه می‌نماید تا خبرگان بتوانند راجع به همخوانی تفسیرها و تحلیل‌های پژوهشگر با آنچه در متن داده‌ها می‌باشد، اظهار نظر و قضاوت کنند. این امر با بیان و مستندسازی جزئیات مربوط به فرایند انجام تحلیل تماتیک و نحوه تکامل مضامین، محقق می‌شود. (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰^۲)

گام اول - انتخاب معیارهای ارزیابی کیفیت تحقیق همانطور که می‌دانید، در ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی، طبقه‌بندی مختلفی از معیارها توسط افراد مختلف همچون: گوبا و لینکلن، اعتباریابی نیومن، اعتباریابی مسکول، اعتباریابی

کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که در اندک مال مانی و در مانده به هزینه عیال، و خوار و پریشان حال. والسلام». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۲۰)

❖ بعد سوم - ارزیابی، پاسخگویی و اقدامات بهبود

بعد دیگر مشارکت دولتی که به تناظر بعد سوم مشارکت شهروندی ایجاد می‌شود، بعد پاسخگویی و اقدامات اصلاحی است. در ادامه مؤلفه‌ها و اقدامات این بعد را توضیح می‌دهیم:

❖ پاسخگویی و رسیدگی مستقیم

در حقیقت هنگامی که شهروندان شکایت و اعتراض‌های خود را اظهار می‌کنند، دولت باید خواسته‌های مردم را شنیده و مورد ارزیابی قرار دهد و به مردم پاسخگو باشد و بالتبع خواسته‌های صحیح را رسیدگی کند. نامه ۵۳ مؤید این نکته خواهد بود.

«و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان، از آنان بازدار، تا سخنگوی آن مردم با تو گفتگو کند». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۵۳)

❖ نقادی و سرزنش

گاهی اوقات دولت در ارزیابی خود متوجه کم‌کارها و ناهنجاری‌ها چه از سوی مسئولان و کارگزاران و چه از سوی مردم می‌شود که در این وضعیت دولت خود نیز به سرزنش و نقادی به جامعه مخاطب فوق روی می‌آورد. همچنین حضرت در نامه‌ای خطاب به مردم بصره چنین نکوهش می‌کند:

«چنان نیست که ندانید چگونه رشته طاعت را باز و دشمنانگی را آغاز کردید. من گناهکاران را بخشودم، و از آن که رو بر گردانده شمشیر برداشتم، و آن را که روی آورده قبول نمودم. لیکن اگر کارهای ناروا و نادرست و اندیشه‌های نابخردانه سست، شما را وادارد که راه جدایی در پیش گیرید و طاعت مرا نپذیرید، بدانید که من آماده به کار نزدیک شمایم، و به یک لحظه به سر وقت شما می‌آیم». (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، نامه ۲۹)

چنانچه نمره‌ای از گویه‌ها از ۱۲ پایین‌تر باشد، گویه از نظر خبرگان پذیرفته نیست؛ چون نمره زیر متوسط قرار دارد. بنابر این، طبق نتایج فوق معیارهای ارزیابی نمره‌ی خوب به بالا (۱۷ به بالا) کسب کرده‌اند و این امر نیز نشان‌دهنده‌ی تأییدپذیری کیفیت تحقیق نزد خبرگان است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که شبهه پارادایم‌های اخیر مدیریت دولتی نشان می‌دهند، نظریه پردازان به نقش مردم در اداره کشور بیشتر توجه داشته‌اند؛ به طوری که به تدریج شکل حکومت‌ها از نخبه‌محوری به سمت مردم-محوری در حال تغییر است. همگان به این واقعیت پی‌برده‌اند که هیچ امری در دولت بدون حمایت مردم امکان پذیر نخواهد بود و این امر از الزامات هر دولتی محسوب می‌شود. در یک حکومت اسلامی نیز این امر، طبق بیانات و شواهد ذکر شده در این پژوهش امری مهم تلقی می‌شود. پژوهش حاضر با مذاقه در بیانات امام علی(ع) در نهج‌البلاغه سعی بر استخراج الگویی برآمده از متن در موضوع مشارکت شهروندی داشته است. نتایج تحقیق نشان داد که نقش مردم در امر حکومت، امری ضروری است و بر خلاف الگوهای موجود مشارکت، الگوی مشارکت مردم امری طرفینی و تعاملی با مشارکت دولتی است. این امر بدین معناست که هر جا صحبت از مشارکت مردم به میان آمد، متناظر آن باید موضوع مشارکت دولتی بحث شود. این روابط طرفینی نیز بر اساس سه اصل مورد اشاره در نهج‌البلاغه شکل می‌گیرد. اصل اول، قاعده اصلاح طرفینی است. اصولاً مردم و دولت باید همدیگر را اصلاح کنند و در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهند. اصل دوم آن است که حسن همکاری و تعامل بین شهروندان و دولتمردان سبب پایداری روابط خواهد شد و در نهایت اینکه، اصلاح طرفینی باید بر اساس ادای حق و تکالیف متقابل دولت و شهروندان باشد. هر یک از دوگان دولت و شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و مشارکت خود را بر اساس تکالیف خود سازماندهی کنند.

کوال و برینکمن و ... وجود دارد. هر کدام از این اعتباریابی‌ها به شرایط مختلفی بستگی دارد. به عنوان مثال، اعتباریابی مکسول برای تحقیقات کیفی است که در آن محقق از مشاهده در گردآوری اطلاعات استفاده نموده است. لذا تحقیقاتی که در آنها از روش غیر مشاهده استفاده شده است نمی‌توانند از این اعتبارسنجی استفاده کنند. با توجه به بررسی معیارهای اعتبارسنجی و تناسب آنها با روش گردآوری کتابخانه‌ای (متن نهج‌البلاغه و تفاسیر معتبر آن)، محقق بدین نتیجه دست یافت که معیارهای اعتبارسنجی مکسول و گوبا و لینکلن سازگاری بیشتری سازگاری را با تحقیق حاضر دارند.

گام دوم - تدوین پرسش‌نامه اعتبارسنجی

پس از انتخاب معیارهای اعتبارسنجی گوبا و لینکلن (باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری) و مکسول (روایی توصیفی، روایی تفسیری و روایی تئوریک) (محمدپور، ۱۳۸۹)، پرسش‌نامه با هشت گویه طراحی شد.

گام سوم - توزیع و جمع‌بندی پرسش‌نامه اعتبارسنجی

بنابر این، از آنجا که موضوع تحقیق از یک طرف در زمره دانش مدیریت دولتی و از طرف دیگر در حوزه تفسیری نهج‌البلاغه است و دانش مخصوص به خودش را نیاز دارد. لذا خبرگان اعتبارسنجی از کسانی انتخاب شدند که هم با دانش مدیریت دولتی آشنا بوده و هم با متن و نحوه شیوه تحلیل نهج‌البلاغه از اطلاعات و تجربه کافی برخوردار باشند. بنابر این، با مشورت با اساتید راهنما و مشاور مجموعه‌ای از خبرگان حوزوی و دانشگاهی برای اعتبارسنجی پژوهش انتخاب شدند که در این زمینه مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی را به سرانجام رسانیده بودند. بدین منظور از اساتید مجرب و خیره دانشگاه‌های قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه علامه طباطبایی(ره) و دانشگاه تهران برای اعتبارسنجی استفاده شد. نتایج اعتبارسنجی تحقیق حاکی از آن است که هر یک از گویه‌های پرسش‌نامه نمره متوسط به بالا گرفته‌اند. جدول تحلیلی ۲ نتایج هر یک از گویه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. جمع‌بندی پرسشنامه‌ی اعتبارسنجی

نمره	ضعیف (۱)	متوسط (۲)	خوب (۳)	عالی (۴)	مقیاس گویه‌ها
۲۰	۰	۰	۴	۲	کلیه خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های مرتبط با موضوع مشارکت بدرستی شناسایی و بررسی شده‌اند
۱۹	۰	۱	۳	۲	مضامین پایه انتخابی مربوط به گزاره‌های نهج البلاغه به درستی شناسایی شده‌اند
۱۸	۰	۱	۴	۱	مضامین سازمان دهنده (مقولات) بدرستی تدوین شده‌اند
۲۰	۰	۰	۴	۲	مضامین سازمان دهنده و فراگیر بخوبی به اشباع و کفایت نظری رسیده‌اند
۲۲	۰	۰	۲	۴	روابط بین مضامین پایه و سازمان دهنده (مقولات) به خوبی در الگوها قابل ردیابی دارد.
۲۱	۰	۰	۳	۳	الگوی مادر استخراج شده مشارکت شهروندی و سایر الگوها مطابقت به عمق بیانات نهج البلاغه دارند
۲۰	۰	۱	۲	۳	الگوی استخراج شده باور پذیر و معنی دار به نظر می‌رسد.
۱۷	۰	۲	۳	۱	فرآیند و گام‌های تحقیق به خوبی طراحی، ترسیم و اجرا شده است؛ به طوری که قابلیت رصد و دریایی وجود دارد.

منابع

- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۹). "مبانی مدیریت در نظارت همگانی، مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی"، تهران: مرکز نظارت همگانی شهرداری تهران.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۴). "اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی؛ ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، سید رضی، (۱۳۸۶ ه.ق). "نهج‌البلاغه"، ترجمه سید جعفر شهیدی، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (۱۳۷۵). "جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه"، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.

- رستگاری، ابوالقاسم و برخوردار، علی (۱۳۸۸). "بررسی راهکارهای توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره)". مجموعه مقالات همایش ملی توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شرفی، امید (۱۳۸۸). "مشارکت مردمی، فقرزدایی و توسعه"، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طوسی، محمد علی (۱۳۷۲). "مشارکت (در مدیریت و مالکیت)"، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴). "روش فهم حدیث"، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). "پیام امام امیرالمؤمنین ع؛ شرح تازه و جامع بر نهج‌البلاغه"، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). "ضد روش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی. (جلد دوم)"، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). "سیری در نهج‌البلاغه"، تهران: صدرا.
- وارث، حامد (۱۳۸۰). "نگرش فرآوردایی به مدیریت دولتی"، دانش مدیریت، شماره ۵۵.
- یآوری، وحید (۱۳۹۱). "طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان اوقاف و امور خیریه"، پایان نامه دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

- بابایی ردویی، مهران (۱۳۸۸). "نظام جامع مشارکت در کمیته امداد امام خمینی (ره)"، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- بحرانی، میثم ابن علی ابن میثم (۱۳۷۵). "ترجمه و شرح نهج‌البلاغه"، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷). "سیری در تفسیر نهج‌البلاغه"، تهران: یاران علوی.
- خداوردی، علی (۱۳۸۴). "مشارکت عمومی و همبستگی ملی"، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا - معاونت سیاسی.
- دشتی، محمد، (۱۳۷۹). "امام علی (ع) و نظارت مردمی (امر به معروف و نهی از منکر)"، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). "جمال دولت محمود: حکومت امام علی (ع) حکومت موفق تاریخ"، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). "منظرمهر: مبانی تربیت در نهج‌البلاغه"، تهران: دریا.
- دنهارت، رابرت پی (۱۳۸۸). "تئوری‌های سازمان دولتی"، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
- رحیمی، عبدالرحیم (۱۳۸۸). "نقش مشارکت‌های مردمی در محرومیت‌زدایی از جامعه"، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Agger, Annika. (2012). *Toward tailor made participation: how to involve types of citizens in participatory governance*, Roskilde : Roskilde University press.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic*

analysis and code development, Thousand Oaks, CA: sage.

- Braun, V. & V. Clarke. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3. No. 2, pp. 77-101.

- Chung, So Yoon.(2011).*Fostering Citizen Participation Through Innovative Mechanisms In Governance, Policy, And DecisionMaking:Comparing Washington, DC And Seoul*, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy, Arizona state university.
- Harrison, S. and M. Mort. (1998). Which champions, which people? Public and user involvement in health care as a technology of legitimation, *Social Policy and Administration*, 32, pp.60–70.
- Gaynor,tiasheree.(2011).*Stakeholder perception on the role of community development corporation and resident participation*,A Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor Philosophy Graduate Program in Public Administration, The State University of New Jersey.
- King, N. & C. Horrocks. (2010). *Interviews in qualitative research*,London: Sage.
- karan ,Davis.(2010). *Exploring level of public participation in planning: a case study approach*, A thesis presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of science, school of university of Alabama.
- Liu,Hong-Cheng.(2011). *organizational accountability in emergency management: examining typhoon morakot from citizens perspective*. A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Public Administration, College of Business and Public Management Department of Public and Health Administration.
- Parry, G.; G. Moyser and N. Day. (1992). *Political Participation and Democracy in Britain*. Cambridge, United Kingdom :Cambridge University Press.
- Row , gene and frewer. Lynn. J. (2005). A typology of public engagement mechanisms, *Sicine, technology and human values*, 30,pp. 251- 90.
- <http://www.IAP2.org>